

مبانی، استراتژی و تکنیک‌های سیاست خارجی ایران شهری^۱

روح‌اله اسلامی^۲

چکیده

در بررسی سیاست خارجی ایران علاوه بر اسناد، مدارک و داده‌های تاریخی نیاز به اندیشه، مبانی و اصولی است که بتواند واقعیات را تفسیر کند. پژوهش‌هایی با مبانی واقع‌گرای، آرمان‌گرای و انتقادی سیاست خارجی ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. بعد از انقلاب، مبانی اسلامی و شیعی نیز، سیاست خارجی ایران را با اندیشه اسلام سیاسی تحلیل کرده‌اند. یکی از اندیشه‌های بومی که توانایی بررسی سیاست خارجی ایران و پوشش دادن نقاط ضعف و ارائه گزاره‌های اصلاحی را داراست اندیشه ایران شهری است. پرسش این است آیا ایرانیان دارای سبک در سیاست خارجی هستند. سیاست خارجی ایران شهری چیست و آیا اندیشه ایران شهری دارای مبانی، استراتژی و تکنیک در سیاست خارجی است؟ اندیشه ایرانی با توجه به منابع و اصول عقلانی که به صورت میراثی ماندگار در ایران تداوم یافته است، گزاره‌های کاربردی و استراتژیک در مورد سیاست خارجی دارد. در نوشتار با محوریت قرار دادن اندیشه سیاسی ایران شهری سعی شده است مبانی و اصول سیاست خارجی ایران شهری ترسیم گردد و به استراتژی‌ها و سیاست‌های کاربردی برآمده از این گونه نگریستن به سیاست خارجی پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: ایران شهری، سیاست خارجی، اندیشه سیاسی، استراتژی.

^۱ - این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان: "مبانی، مفاهیم و تکنیک‌های سیاست خارجی ایران" است که در گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد تصویب و توسط نویسنده اجرا شده است.

^۲ - استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد: eslami.r@ferdowsi.um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۵

DOI: 10.22067/ijip.v8i2.67657

نوع مقاله: پژوهشی

Principles, Strategy and Techniques of Iranshahri's Foreign Policy

Roohollah Eslami¹

Assistant Professor, Department of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

Abstract

In an analysis of foreign policy, all documents must be connected with narration. For this purpose, we have three narrations by which we can describe and analyze foreign policy. The Western narration of realism, idealism, criticism, and constructivism have dominated foreign policy analysis. A particular Islamic narration prevailed in Iran after the 1979 revolution. However, Iranshahri's narration is ignored. In this article, I want to describe Iran's national identity and analyze Iranshahri thought that originates from ancient Iran. Many sources are still available for this narration. First, Iranshahri's political thought has roots in the Avesta, inscription, Ardavirafname, and many books translated to the Arabic language such as Ahde Ardashir and Name Tansar. Second, applying Iranian national thought to strategy foreign policy. Strategy dialogue among nations, significant cultural Iranian, and smart power. For influence to real-world analysis, three technic diplomacies, war, and security and protocol ceremonial. For this approach and mechanism that applies in real politics, we can defend the national interest.

Keywords: Iranshahri, foreign affair, political thought, strategy.

بیان مسئله

علوم انسانی همانند علوم طبیعی نیست که قواعد آن در همه متن‌ها یک شکل و محتوا داشته باشد (Mohammadpour, 2007, p. 243). این امر به خصوص در مورد تمدن‌های بزرگ تاریخ و جماعت‌های انسانی ریشه‌داری که دارای اندیشه سیاسی تداومی هستند صدق بیشتری دارد. به این معنا که سیاست ایرانی با سیاست سایر متن‌ها تفاوت دارد. ایران دارای متن تداومی اندیشه سیاست است، تداوم به معنای رویه ثابتی است که از دوره باستان تا کنون باقی مانده است (Islami, 2015, pp. 2-8). مجموعه اساطیر، آیین، رسوم، زبان، مذهب، متون نظم و نثر و تاریخ ایران به خصوص در مورد سامان سیاسی تداوم داشته است (Kissinger, 2017). به‌عنوان مثال اسطوره امرداد یا بی‌مرگی، امشاسبند شاهنشاه نیکو یا شهریور و همین‌طور خدای آتش و روشنایی یعنی آذر، همان ماه‌های ایرانی هستند که در تقویم کاربرد دارند (Amozgar, 2007). دوگانگی خیر و شر و اختیار انسان برای همراهی با خدایان راستی، عهد و پیمان و آبادانی در جهت ضربه زدن به دروغ، خشکسالی و جنگ از عهد داریوش تا زمان کنونی تکرار شده است

¹Corresponding Author: eslami.r@ferdowsi.um.ac.ir

(Ahmadvand & Islami, 2017, p. 46). آرمان‌گرایی به صورت ترسیم تاریخ و جغرافیای قدسی و واقع‌گرایی در تکنیک‌های سیاست‌گذاری از خرد‌مزدایی تا خرد شیعی شکل و محتوای یکسانی داشته است (Carbon, 2004, p. 29). هرچند در برخی دوره‌ها با حمله‌های ویرانگر اقوام بیابان‌گرد گسست‌های سیاسی و نظامی شکل گرفته است اما روح اندیشه ایرانی تداوم داشته است. به گفته هگل فیلسوف معروف آلمان، در کتاب عقل در تاریخ ایرانیان نخستین امپراطوری راستین را بنیان نهادند و با اندیشه و کنش کورش بزرگ جماعت‌های انسانی به عصر خرد قدم گذاشتند (Hegel, 1957, pp. 301-315). ایران با اندیشه‌های دوگانه‌گرای زرتشتی که گونه‌ای از روایت ایده آل و نمونه آرمانی به حساب می‌آمد بسیاری از کثرت‌های غیر قابل حل را در سیستم سیاسی وحدت‌گرای خود ریختند. این‌گونه خردورزی امپراطوری زنده و پویا در ایران شکل داد و قبل از آنکه جهان غرب در قرن هفدهم میلادی به مفهوم دولت کشور مدرن دست پیدا کند ایرانیان در عهد باستان به آن رسیده بودند (Hegel, 2001).

از سوی دیگر نام ایران به معنای سرزمین اصیل زادگان، کشور نیکی‌ها، دولت خوبی‌ها از ابتدای تاریخ یعنی برآمدن مادها تا کنون به همین نام بوده است (Qurashi, 2010, p. 267). در کتیبه‌های هخامنشی، اوستای زرتشت، شاهنامه فردوسی، دولت ممالک محروسه صفویه و قاجار تا جمهوری اسلامی نام ایران به معنای هویت و دولت ملی ایران مطرح بوده است (Tabataba'I, 2015, pp. 23-54)؛ بنابراین به همه لحاظ ممکن ایران دارای تاریخ، اندیشه، هویت، فرهنگ و به خصوص اندیشه سیاست خاص خود می‌باشد. در این راستا ایران کشوری است که بدون فهم اندیشه سیاسی آن نمی‌توان فهم درستی از سیاست‌گذاری آن داشت. این مقاله سعی دارد با رویکرد ایرانی و استفاده از چارچوب تئوریک اندیشه سیاسی ایران شهری مبانی، استراتژی و تکنیک‌های سیاست خارجی ایران را بررسی کند. پرسش این مقاله چنین است که ایران دارای چه مبانی در اندیشه سیاسی است و این مبانی به لحاظ عملی و سیاست‌گذاری چه تبعات استراتژیک و تکنیکی در سیاست خارجی دارند؟ این مقاله هنجاری است یعنی دارای وجوه باید گونه‌ای است بر این اساس که ایران دارای مبانی در فرهنگ و اندیشه است که تا کنون در راستای سیاست‌گذاری امور خارجه از آن بهره‌مند نشده است. به یک معنا این نوشتار تحلیل سیاست خارجی ایران نیست بلکه تحلیل مبانی و اندیشه سیاست ایرانی و بازتاب استراتژیک و تکنیکی آن در سیاست خارجی است.

چارچوب تئوریک

این پژوهش بر اساس چهارچوب تئوریک اندیشه سیاسی ایران شهری نگاشته شده است. تا کنون مقاله‌های زیادی در مورد مکاتب واقع‌گرا، آرمان‌گرا و سازه‌انگار غربی همین‌طور مکاتب شیعه و اهل

سنت اسلام نوشته شده است. اندیشه غربی با توجه به اندیشه متفکرانی چون هابز، کانت، مورگنتا، ونت مکاتبی را شکل داده است که در آن پدیدار سیاست خارجی در قالب موازنه قوا یا سازمان‌های بین‌المللی امکان زیست پیدا کرده است (Handler, 2013, pp. 33-129). از سوی دیگر اندیشه سیاسی در اسلام دارای متفکران بزرگی چون ماوردی، ابن‌فراء، خواجه نصیرالدین طوسی و محمد غزالی است که در بعد سیاست خارجی مفاهیمی چون دارالسلام، دارالکفر، امت اسلامی را پایه نهادند (Ziaie Bigdeli, 2016). این پژوهش قصد دارد با ارجاع به متون اصلی اندیشه سیاسی ایران‌شهری تحلیل کند که استراتژی و تکنیک عملیاتی و مشخصی در زمینه سیاست خارجی برای روزگار معاصر و شرایط فعلی ایران قابل طراحی و اجرا است. اندیشه سیاسی ایران با توجه به بومی بودن و تأکید بر هویت و فرهنگ ملی ایران توانایی دفاع از سیاست ایران در وضعیت حساس فعلی را دارد و این چارچوب تئوریک شروعی برای مطالعات سیاست‌گذاری سیاست خارجی ایران است. در این نوشتار سه طرح مبنایی، استراتژیک و تکنیکی سیاست خارجی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. مبنایی یعنی اصول، منابع، گزاره‌های پایه‌ای که سیاست خارجی از درون با رویکرد آنها محیط خارج را می‌نگرد، استراتژی یعنی طرح‌های بلند مدت برای رسیدن به منافع ملی در سیاست خارجی که دارای اصول راهبردی در محیط بحرانی است و در نهایت تکنیک به معنای فنون و سیاست‌های جزئی و کاربردی است که در صورت اتحاد شخصیت و سیمای سیاست خارجی را شکل می‌دهد (Islami, 2015, pp. 2, 42)؛ بنابراین پژوهش‌های ارزشمند صورت گرفته با مبنایی غربی و اسلامی توانایی تحلیل سیاست خارجی ایران را دارند اما این نوشتار به وجه مغفولی اشاره دارد که تمامیت ارضی، منافع ملی، تعریف ایران و کاربست‌های مکانیزمی استراتژیک به همراه تکنیک‌های کاربردی را در سیاست خارجی فراهم می‌سازد؛ بنابراین در بعد ترسیم مبنایی اندیشه ایران‌شهری، ترسیم استراتژی و تکنیک کاربردی در سیاست خارجی این نوشتار با پژوهش‌های صورت گرفته تفاوت دارد و کاملاً نوآورانه و راه-گشا در راستای حل مسائل سیاست خارجی ایران معاصر است.

شاخص‌های اندیشه ایران‌شهری

به لحاظ تئوریک باید مشخص گردد که ایرانیان در سطح اندیشه دارای چه شاخص‌هایی هستند که بعد از ترسیم آنها می‌توان به‌طور جزئی‌تر به سراغ سیاست خارجی رفت. منظور از شاخص‌های ایران‌شهری همان مؤلفه‌هایی است که از منابع اصلی اندیشه ایرانی از خرد مزدایی تا شیعی تداوم داشته است و عناصر اصلی اندیشه ایران‌شهری به حساب می‌آیند که در زیر تحلیل می‌گردد.

آرمان‌گرایی: ایرانیان دارای نظام فلسفه معناگرای آرمانی هستند. در این نظام که تجمیع امشاسپندان است جهان آن گونه که در روایت پوزیتیویستی تفسیر می‌گردد مورد نقد قرار می‌گیرد. عالم خلق شده توسط وجودی مقدس و هستی دارای غایت است. به یک معنا جهان پدیداری آرمانی از نوع خرد مزدایی دارد و ماهیت و محتوای مادی توسط اهورامزدا برتر جهت دهی می‌گردد (Carbon, 2005, p.40). راستی، وفای به عهد، آبادانی و مهر از آرمان‌های غیر قابل نقض ایرانیان است که در اوستا بر آنها تأکید شده است (Ahmadvand & Islami, 2017, pp. 64-66).

جدول (۱): اندیشه سیاسی غرب، اسلام، ایران

اندیشه سیاسی	مکتب	متفکران	نمود سیاست خارجی	نتیجه
جهانی است اما منابع قدرت بومی را کنار می‌نهد	موازنه قوا، سازمان ملل	هابز، مورگنتا، کانت، ونت	واقع‌گرا، آرمان‌گرا، سازه‌انگار	سیاست غربی
منابع کارآمد و ملی ایران را حذف کرده است	دارالعهد، دارالسلام، دارالکفر، امت محوری	خواجه نصرالدین طوسی، محمد غزالی	شیعه، اهل سنت	سیاست اسلامی
بستر، مبنای اصل و مقوم است	ایران بزرگ فرهنگی، مصلحت و منافع ملی	ابن مقفع، خواجه نظام الملک، فردوسی	ایران شهری	سیاست ایرانی

فلسفه تاریخ و جغرافیای قدسی: آرمان‌گرایی روایتی شکل می‌دهد که در آن خدایان نیک به رهبری اهورامزدا و خدایان شر به رهبری اهریمن رو در روی یکدیگر قرار می‌گیرند. با خلق کیومرث و شروع شدن تاریخ اسطوره‌ای انسان اختیار دارد که جبهه خیر یا شر را انتخاب کند و هرگونه پیروزی خشکسالی، دشمن یا دروغ نشان دهنده ضعف تلاش انسان‌ها به حساب می‌آید (Rezaei Rad, 1999). ایران مرکز عالم است و ایران ویج دارای فلسفه و تاریخی است که برآمده اساطیر و روایت‌های قدسی است. بار متافیزیکی تاریخ و جغرافیای قدسی، ایران را خاص ساخته است تا از ابتدای آفرینش تا ظهور سوشیالیسم را ترسیم نماید (Rostam Wendi, 2009).

تداوم ایران شهری: ایران به معنای سرزمین نیکی‌ها، خوبی‌ها و پاک نهادها تداومی به‌اندازه تاریخ تمدن بشر دارد. همه عناصر اندیشه ایران شهری از واژه ایران گرفته تا شاخص‌های ماهوی و ظاهری آن در تاریخ تداوم داشته است (Axworthy, 2008). انسان آرمانی، ارض ملکوت، انتظار، هستی‌شناسی اندوه‌بار، متافیزیک اشراقی در تاریخ ایران وجود داشته است. شاخص‌ها در خرد مزدایی سامان‌دهی می‌شوند و با

آنکه چندین حمله ویرانگر در تاریخ به لحاظ نظامی و سیاسی ایران را از شکل می‌اندازد اما فرهنگ و اندیشه ایرانی در خرد شیعی، اشراقی، باطنی و ... تداوم پیدا می‌کند (Carbon, 2003).

فرهمندی: کاملاً طبیعی است که از تاریخ، فلسفه، جغرافیا و روایت قدسی متافیزیکی آنچه برای هرم حاکمیت تجویز می‌گردد انسانی کامل است که به نیروی خرد و توانمندی و بر اثر کارآمدی و تأیید الهی سرنوشت جامعه را به دست می‌گیرد. در اندیشه ایرانی به چنین کارگزار حکومتی انسان فرمند می‌گویند. فردی که نژاد، تبار، تربیت و تأیید الهی و مردمی دارد و سعادت شهر به او گره خورده است (Ahmadvand & Islami, 2017, pp. 194-205). اندیشه ایرانی در تمام طول تاریخ خردی کیهانی داشته است که در آن ولی، امام، شاهنشاه، سلطان یا پادشاه بر مسند سیاست‌گذاری کلان جای داشته است.

چرخه عدالت: اساس حکمرانی ایرانی بر عدالت است. عدالت به معنای کنار هم قرار گرفتن شاخص‌هایی است که رابطه علت و معلولی با یکدیگر دارند. در نگاه محافظه کار و واقع‌گرای ایرانی هدف حکومت ایجاد امنیت و شکل‌دهی به دولتی قدرتمند است. این دولت تنها با داشتن ارتش نیرومند و منظم می‌تواند جان رعیت را حفظ نماید. سپاه و ارتش سامان‌مند به خزانه سرشاری برمی‌گردد که از مالیات‌های مردم گرد آمده است. این مالیات‌ها به زمین‌های آباد، رونق تجارت و شکوفایی اقتصاد ربط دارد و همه به عدل سیستم قضایی و دادستانی رعیت بازخواهد گشت. این چرخه دارای تکنیک‌های جزئی در امر سیاسی و اجرایی است که در رساله‌های اندرزن‌نامه نویسی تحلیل شده است (Islami, 2015, pp. 2, 78, 112).

نظام خویشکاری: در عهد باستان جامعه یکجانشین و تولیدکننده ایرانی برای اینکه بتواند روال، رویه و قواعد یکسان سیستمی در جامعه ایجاد کند به نظام خویشکاری روی آورد. در این نظام طبقات مختلف دربار، وزیران، سفیران، قضات، خزانه‌داران به عنوان کارگزاران حکومتی وجود دارند. همین‌طور مغان و دبیران و طبقات صنعت کار، تاجر و دهقان نیز در جای خود کار ویژه تخصصی داشتند. امکان تحرک طبقاتی اندک بود و به خصوص لایه‌های سیاسی و عادی از یکدیگر جدا بودند. این خویشکاری کارآمدی اجتماعی را شکل می‌داد و نظام تربیت نظری و عملی را خودجوش تداوم می‌بخشید (Ahmadvand & Islami, 2017, p. 233).

تکنیک‌های عقل معاش: در اندیشه ایرانشهری علاوه بر وجوه متافیزیکی و صورت‌های معرفت آرمانی امور معاش و توجه به امر روزمره تأکید شده است. هدف اصلی آبادانی دنیا و ساختن شرایطی است که قلعه، قنات، نظامیه، مسجد، راه، کاروانسرا، ... برپا باشند (Islami, 2015, p. 2). بر همین اساس

ایرانیان در اندرنامه‌ها متون کاربردی و اجرایی و فنون و تکنیک‌های واقع‌گرای پیچیده‌ای طراحی کرده‌اند تا ایران کشوری آباد گردد. این عقلانیت سر در آسمان‌ها ندارد بلکه زمین را می‌نگرد و راجع به مالیات ستانی، خزانه گردانی، برقراری امنیت، سیستم اطلاعاتی و جاسوسی، نظام جنگ، تشریفات حکومتی ... فنون جایگاهی دارد (Khawaja Nizam, 2008).

همراهی دین و دولت: گزاره مبنایی همزادی دین و دولت جز شاخص‌های اصلی اندیشه ایران شهری است که در عین بدیهی بودن در اجرا سطح پیچیده‌ای دارد. در اندیشه ایرانی دین و دولت یکدیگر را حمایت می‌کنند به گونه‌ای که دینداران بدون حمایت دولت نمی‌توانند شایست و ناشایست را تشخیص دهند و از سوی دیگر حکمرانی بر مردم بی اعتقاد و بی دین امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این گزاره‌های شرطی اصل اندیشه ایرانی چنین است که دولت بر دین برتری دارد و هسته سیاست چنان جاذبه‌ای دارد که هیچ دستگاه معرفتی نمی‌تواند از آن بالاتر رود (Tabataba'I, 2005, p. 121).

اشه و سلسله مراتب: هدف غایی اندیشه ایرانی شکل‌دهی به جامعه اشه مند است یعنی جامعه‌ای که در آن فضیلت، سعادت و اخلاق وجود دارد و هر چیز در جای خود است. اشون بودن معنایی خیالی و توهمی نیست بلکه همنوایی با طبیعت یا همان اندیشه اشراقی است که از عهد زرتشت تا سهروردی طراحی گردیده است (Mahmoudizadeh, 2017, p. 190). فردوسی به عنوان یکی از حکیمان سیاسی اندیشه ایران شهری با تأکید بر شاهنشاه فرهمند، چرخه عدالت و نظام خویشکاری، اشه از دست رفته روزگار باستان را آرزو می‌کند. اشه با تشریفات، ادب، حفظ جایگاه‌ها و سلسله مراتب ارتباط دارد و هرگونه عوام‌گرایی و خارج سازی غیر تخصصی امور سیاسی از جریان عادی نوعی بحران محسوب می‌گردد (Khaleghi, 2015).

جدول (۲): شاخص‌های اندیشه سیاسی ایران شهری

شاخص‌های ایران شهری	تعریف و کاربرد در نوشتار
آرمان‌گرایی	تفسیر معنوی و آرمانی از هستی داشتن و رویکرد متافیزیکی به تاریخ
فلسفه تاریخ و جغرافیای قدسی	دیالکتیک تاریخی خیر و شر و انتظار ظهور منجی در پایان تاریخ
تداوم ایران شهری	فرهنگ ایرانی از خرد مزدایی تا خرد شیعی تداوم داشته است
فرهمندی	پدیدار سیاسی ایرانیان در مورد مشروعیت حکمران
چرخه عدالت	وابستگی قدرت به سپاه، به خزانه، به رعیت و به دادگری و مؤلفه‌های عینی کارکردی آنها
نظام خویشکاری	تقسیم مشاغل و اصناف و نظام کاستی طبقاتی
تکنیک‌های عقل معاش	یکجانشینی و داشتن عقلانیت معاش جهت آبادانی دنیا
همراهی دین و دولت	نزدیکی شاه و مغان به یکدیگر و مشروعیت مذهبی حکومت
اشه و سلسله مراتب	پادشاه فرهمند و مشروعیت سلسله مراتبی جهت ایجاد نظم اشون

پیشینه پژوهش

در مورد اندیشه ایرانی‌شهری منابعی وجود دارد که در این پژوهش به برخی از آنها ارجاع داده می‌شود. منبع اصلی به زمان باستان برمی‌گردد که به عنوان پایه و مبانی اندیشه ایرانی‌شهری محسوب می‌گردند. به عنوان مثال کتیبه‌های هخامنشی به خصوص کتیبه بیستون، منشور کوروش و کتیبه‌های تخت جمشید و کوه الوند شاخص‌های زیادی از اندیشه ایرانی را بازتاب می‌دهد (Ghiasabadi, 2008, pp. 179-224). همین‌طور متون زرتشتی همانند کتاب‌های مزدایی اوستا، مینوی خرد، ارداویراف‌نامه، نامه تنسر، کارنامه اردشیر پاپکان، عهد اردشیر و دینکرد آثار اصیل فکر ایرانی هستند (بنگرید به منابع) (Ahmadvand & Islami, 2017, pp. 213-244). (Crane, 2009, pp. 98-103). مورخانی چون عبدالحسین زرین‌کوب، ادیبانی چون فتح‌اله مجتبایی (Mojtabayi, 1973)، اسطوره‌شناسانی چون ژاله آموزگار (Amozgar, 2007)، منتقدانی چون شاهرخ مسکوب، عالمان سیاستی چون حمید عنایت (Enayat, 1998)، زبان‌شناسانی چون محمد رضایی راد، دین‌پژوهانی چون هانری کربن، فرهنگ‌پژوهانی چون فرهنگ‌رجایی (Rajai, 2006)، شعرشناسانی چون محمد معین (Mo'in, 1974) هر یک با استفاده از منابع دسته اول ایران باستان قسمت‌های نابی از اندیشه ایرانی‌شهری را آشکار ساخته‌اند. در مورد الگوی ایرانی سیاست خارجی پژوهش‌هایی که صورت گرفته است بیشتر جنبه تاریخی و ذکر رویدادها دارد (Mahdavi, 2001) (Azghandi, 1997). رویدادها و داده‌های خام که به صورت سند و ارجاع به واقعیت روایت می‌گردد اهمیت دارد اما آنچه پایه‌ای است و توانایی ماندن در ارزیابی‌های علمی را دارد نوشتن تاریخ اندیشه‌ای از سیاست خارجی ایران است. گراهام فولر بر اساس روش‌شناسی پدیدارشناسی و محوریت قرار دادن گذشته باستانی ایران بر اساس احیای ناخودآگاه امپراطوری ایران سیاست خارجی ایران را بررسی کرده است. او نوشته است ایرانیان هنوز گمان می‌کنند قله عالم هستند و در رفتارشان به گونه‌ای عمل می‌کنند که تناسبی میان اهداف و ابزارهای آنها وجود ندارد (Fuller, 2011). روح اله رمضانی مؤسس علمی سیاست خارجی ایران با مدل سه‌جانبه پویا که بر شاخص‌های تداومی و سنتی تأکید دارد توانست الگویی آرمان‌گرا از الگوی ایرانی را با ارزیابی انتقادی ارائه دهد. او نوشت ایرانیان در سیاست خارجی اندیشه و کنش آرمانی دارند و رگه‌های فرهنگ باستانی، شیعی و اندیشه‌های چپ‌گرایانه در آنها رسوخ کرده است که مانع فهم درست از منافع ملی و کنش‌های مصلحت‌گرایانه می‌گردد (Ramazani, 1966 & 1975). مقاله‌ای با عنوان جاودانگی اندیشه ایرانی‌شهری در روابط خارجی توسط الهی در روابط خارجی چاپ شده است که تنها به دوره باستان می‌پردازد و وجوه اندیشه‌ای و مبنایی را بررسی می‌کند (Elahi, 2007). همین‌طور پایان‌نامه صحرایی در دانشگاه فردوسی مشهد الگوهای سیاست

خارجی دوره ساسانیان را با مدل هالستی تحلیل کرده و نتیجه گرفته است که الگوی ایران شهری بر این دوره حاکم بوده است (Sahrae, 2006).

جدول (۳): پژوهش‌های اندیشه‌های ایران شهری

نام پژوهشگر	نام پژوهش	زمینه ایرانی
هانری کربن	ارض ملکوت، اسلام ایرانی	دین پژوه
مرتضی ثاقب فر	فلسفه تاریخ فردوسی	مورخ
ژاله آموزگار	تاریخ اساطیر ایران	اسطوره‌شناس
محمد معین	مزدیسنا و ادب فارسی	ادبیات
محمد رضایی راد	خرد مزدایی	زبان‌شناسی
فتح اله مجتبابی	شاهی آرمانی در یونان و ایران باستان	فلسفه مقایسه‌ای
تقی رستم وندی	اندیشه ایران شهری در عصر اسلامی	اندیشه اسلامی
روح اله اسلامی	اندیشه سیاسی در ایران باستان، حکومت مندی ایران شهری	حکومت مندی
فرهنگ رجایی	اندیشه سیاسی در شرق باستان	تاریخ اندیشه
حمید عنایت	اندیشه و نهادهای سیاسی در ایران و اسلام	جامعه‌شناسی
جواد طباطبایی	زوال اندیشه سیاسی، تاریخ اندیشه سیاسی ایران، خواجه نظام الملک	اندیشه سیاسی
روح اله رضایی	سیاست خارجی ایران از صفویه تا رضاشاه	سیاست خارجی

نوشتار از آثار نام برده متمایز است؛ چرا که از یک سو مبانی اندیشه سیاسی ایران شهری را عنوان می‌کند و در مباحثات بر تکنیک و شیوه‌های اجرایی سیاست تأکید ویژه دارد. دوم اینکه رویکردی ایرانی و همدلانه است به این معنا که از زاویه شرق شناسانه، برونی و انتقادی ندارد بلکه سعی دارد با استفاده از اندیشه ایران شهری رویکردی استراتژیک و فنی به سیاست خارجی داشته باشد. هدف آن است که نشان داده شود رویکرد اندیشه سیاسی ایران شهری دارای تبعات عینی و کارآمد در سیاست خارجی است که بی توجهی به آن برای منافع ملی کشور تبعات نا کارآمدی دارد و تمرکز بر آن در سیاست‌گذاری امکانی است فراموش شده اما لازم، که جهت دفاع از کشور، دولت و ملت ایران می‌تواند احیا گردد.

مبانی سیاست خارجی ایران شهری

واقع‌گرایی

باید میان واژه یعنی دال با واقعیت یعنی مدلول رابطه‌ای مستقیم برقرار باشد (Wittgenstein, 1992). وقتی که می‌گویید در سیاست خارجی روابط مسالمت آمیزی داریم یا می‌خواهیم تنش در روابط میان دو

کشور رفع گردد منظور کاملاً مشخص است و نباید به دروغ و برداشت‌های متفاوت کاری دیگر در عمل انجام داد. واقع‌گرایی به معنای راستگو بودن است و هرگونه دروغ از مبانی سیاست ایران‌شهری به دور است. در اندیشه ایران‌شهری دروغ بنیاد عدالت یا اشه را به هم خواهد زد و نظم گیتی را نابود می‌سازد. علاوه بر این دیدن و تفسیر واقعیت مبتنی بر راستی و اعتقاد به نظم هستی مبتنی بر اشه نمی‌تواند با توهم و آرمان‌های ذهنی هم راستا باشد (Razi, 2002). ایرانیان واقعیت را همانگونه که بود تفسیر می‌کردند یعنی تفسیر آنها نه جبرگرا مبتنی بر خدایی قهار بود که امکان اختیار انسان‌ها را سلب کند و نه انسان‌گرای شدید و انقلابی بود که به صورت اگزستانس در جهت تخریب محیط قدم بردارد (Dostkhah, 1998). واقع‌گرایی ایران‌شهری میانه است و این رگه اعتدال را می‌توان از اوستا تا جاودان خرد و تجارب‌الامم مسکویه رازی دنبال کرد. جز واقع‌گرایی هیچ‌مبنایی نمی‌توانست آبادانی و نیروی ایرانیان در خلق ایران‌شهر آباد را تحلیل کند.

آرمان‌گرایی نهفته در مبانی فکری اگزستانس، چپ‌گرا، سوسیال، پست‌مدرن و همه اندیشه‌های ساده، غریزی و متوهم ضد اندیشه ایران‌شهری است؛ یعنی آنانکه به قصد عدالت یا آزادی به دیگر بازیگران بین‌الملل حمله می‌کند همه برای خود رسالت ایدئولوژیک قائل هستند و آرمان‌گرایی هستند که تاریخ نشان داده است جر جهنم خلق نکرده‌اند. مبنای اندیشه ایران‌شهری در واقع‌گرایی معتدلی است که نه حمله می‌کند و نه اجازه تجاوز را به هیچ بازیگری می‌دهد. واقع‌گرایی ایران‌شهری همانطور که در اندیشه و کنش کوروش تا اردشیر بابکان دیده می‌شود ادبیات صلح، آبادانی، راستی و احترام به حقوق دیگران را عملیاتی کرده است. توجه به معیشت، عقلانیت اقتصادی، تجارت و احترام به سرزمین‌های دیگر جز بدیهیات اندیشه ایرانی است. در این مبنا جنگ، تجاوز، غارت، غنیمت‌نکوئیده است و جز بر تلاش و راستی نمی‌توان بنا نهاد. این مبنا را در گزاره‌های کتیبه کوروش می‌توان یافت جایی که عنصر قدرت و ترور کنار نهاده شد و اعلام گردید از این بعد کسی می‌تواند فرمانروا و سیاست‌گذار جماعت‌های انسانی باشد که به حقوق دیگران احترام می‌نهد و زمین را آباد می‌کند (Moradi Ghasabadi, 2008). ایرانیان برای اولین بار اصول واقع‌گرایی را که بر خشونت و غنیمت‌استوار بود تغییر دادند و به قول هگل با ایران بشر به مرحله عقلانی تمدن قدم نهاد (Hegel, 2001)؛ بنابراین واقع‌گرایی که ریشه در راستی، اشه، آبادانی و همزیستی مسالمت‌آمیز داشت و اکنون مورد اجماع همه فرهیختگان و عالم‌متمدن است در دوره باستان با اندیشه و کنش ایرانیان آغاز گردید.

نخبه گرایی:

در اندیشه ایران شهری به لحاظ مبانی میان سیاست گذاران و مردم تفاوت وجود دارد (Tensar's Letter, 1975, pp. 59-66). به این معنا که همیشه میان کسانی که به قدرت نزدیک هستند و مردم عادی فاصله وجود دارد. تنها نخبگان و کسانی که تخصص و کارآمدی دارند می‌توانند سفیر، وزیر و کارشناس و کارگزار وزارت امور خارجه گردند. این اندیشه اعتقاد دارد سیاست خارجی دانشی عوامانه و مردمی نیست که همان بتوانند در مورد آن نظر دهند یا اینکه بتوانند در آن تصمیم گیری کنند. اخلاقیات و هنجارهایی که برای مردم کاربردی است جایی در سیاست خارجی ندارد و این پیچیدگی را تنها کارگزاران سیاست خارجه می‌دانند. همیشه میان طبقه حاکم و طبقه محکوم فاصله وجود دارد و این امری طبیعی و بدیهی است آنان که منابع قدرت را در اختیار دارند می‌توانند سیاست خارجی را جهت دهی کنند. اندیشه ایران شهری با هر فکر عوامانه، سوسیالیستی، لیبرالیستی، پسامدرن و توده‌ای که بخواهد فاصله میان نخبگان و مردم عادی را بردارد یعنی سیاست را خیابانی و انقلابی فهم می‌کند مشکل دارد. در اندیشه ایرانی که ذاتی محافظه کار و نخبه گرا دارد دیپلمات‌ها و سفیران و همه کارگزاران سیاست خارجی در اندیشه و کنش متفاوت از مردم عادی هستند و این امر نیاز به تربیت دارد (EbneFara, 1984, p. 41). سیاست خارجی کارآمد در صورتی شکل می‌گیرد که مدارس علوم سیاسی و روابط بین الملل نخبگانی تربیت کنند آنگاه که در اندیشه ایرانی به گفته گزنفون تربیت سیاسی صورت می‌گرفته است. گزنفون اعتقاد دارد اندیشه دموکراتیک یونان همیشه در برابر نخبه گرایی ایرانی شکست خورده است چرا که نخبگان ایرانی در همه فنون و هنرهای حکمرانی آموزش می‌بینند و اعتقادی به برابری و یکسان سازی انسان‌ها ندارند.

ذات سیاست با ذات عرصه‌های مثل هنر، اقتصاد، علم و ... تفاوت دارد و نمی‌توان الزامات آنها را بر سیاست تفوق داد. آنچه در سایر میدان‌ها نیکی، خیر و فضیلت تعریف می‌گردد در عرصه سیاسی ناکارآمدی است و این گزاره کلیدی باعث می‌گردد به گفته اردشیر سرشت کارگزاران سیاسی و صفات آنها متفاوت از مردم گردد (Ahde Ardeshir, 1949, p. 62)؛ بنابراین در سیاست خارجی نمی‌توان همه موضوعات را به مردم گفت. مردم تخصص ندارند تا در همه مسائل سیاست خارجه دخالت کنند و هر چه به این عرصه نزدیک شوند منافع ملی کشور به خطر خواهد افتاد. شهروندان دید بلند مدت ندارند و معمولاً دارای عقاید ساده و آرمان‌گرایی هستند که در صورت پیدا شدن در واقعیت با شکست مواجه خواهد شد. نخبه گرایی الزامی است واقعی و کاربردی که می‌تواند کشور را قدرتمند و منافع ملی را تأمین نماید. در ایران باستان و اغلب دوره‌هایی که ایران بازی‌های بزرگ انجام داده است نخبگان واقع‌گرا سیاست خارجی

را هدایت کرده‌اند. حتی زمانی که ایران منابع اقتصادی و قدرت نظامی نداشته است این نخبگان دیپلماتیک ایران بوده‌اند که کشور را حفظ کرده‌اند. دو جنگ جهانی اول و دوم ایران اشغال سراسری گردید اما نخبگان وزارت امور خارجه توانستند ایران را از فروپاشی و تجزیه نجات دهند و استقلال ایران رقم زدند (Islami, 2015, pp. 1, 23-59).

ملی‌گرایی

ملی‌گرایی بیشتر برای کشورهای کاربرد دارد که در دوره جدید از به هم پیوستن واحدهای کوچک یا پس از تجزیه امپراطوری‌های بزرگ برای استقلال واحدهای سیاسی کوچک در اروپا ایجاد شده است. نوعی احساس دوست داشتن کشور، دولت و هویت ملی که دارای محتوای یکدست ساز و همبستگی جمعی است. این احساس جمعی ریشه در دین، تاریخ، زبان، قومیت و هویت مشترکی دارد که نوعی قدرت ملی است. ایران از اولین تمدن‌ها و کشورهای تداومی تاریخ است که در اندیشه فرهنگ دچار گسست نشده است. ایرانیان دارای زبان، دین، سبک حکمرانی، فرهنگ همبسته و یکدستی هستند که در طول تاریخ تداوم داشته است. این تداوم از اوستا، عهد اردشیر زمان هخامنشیان و ساسانیان تا فردوسی و سهروردی دوره میانه و همین‌طور متون مشروطه پهلوی و جمهوری اسلامی پیوسته بوده است. ایران به معنای سرزمین نور، راستی، نیکی‌ها و ایران و بیچ به معنای مرکزیت ایران بر اساس مبنای راستی است (Qurashi, 2010, p. 267). ایران یکی از ملی‌گراترین کشورهای دنیا است و همبستگی زیادی در آیین، مراسم، اسطوره‌ها، زبان، تاریخ و ... دارند. اندیشه سیاسی ایران‌شهری به لحاظ مبنا بر کلمه ایران تأکید فراوان دارد و ایران را به عنوان یک کشور و جغرافیای مشخص بلکه به عنوان فرهنگ و اندیشه مورد تأکید قرار داده است. در سیاست خارجی ایران‌شهری مبنا ایران است و این اصل در علوم سیاسی به عنوان ملی‌گرایی شناخته شده است. البته ملی‌گرایی ایران تفاوت زیادی با ملی‌گرایی متجدد غربی و الزامات آن دارد چرا که ایران کشوری ملی است قبل از آنکه ناسیونالیسم غربی وجود داشته باشد.

در علوم سیاسی می‌گویند سیاست خارجی کارآمد سیاست خارجی است که بر اساس هویت، مصلحت و به خصوص منافع ملی طراحی و اجرا شده باشد (Handler, 2013, pp. 50-56). ملی به معنای هویت مشترکی است که در سرزمین و شهروندان یک کشور ایجاد شده است. نمی‌توان جهانی، سوسیال، لیبرال و یا حتی منطقه‌ای سیاست خارجی را هدایت کرد بلکه اصل اول و بدیهی توجه به منافع ملی است. منافع ملی یعنی تمامیت ارضی، رفاه شهروندان، امنیت ملت و کشور، ثبات و تداوم نظام سیاسی و آزادی و برابری همه شهروندان ایرانی که باید شاخص ارزیابی سیاست خارجی محسوب گردد. هیچ سیاست خارجی اجرا نمی‌گردد مگر اینکه منافع ملی کشور ایران را تأمین کند. منافع ملی مبهم، کیفی، باز،

شخصی، بی شاخص نیست بلکه در اندیشه ایران شهری منافع ملی کاملاً عینی به واژه ایران اشاره دارد. زمانی مارکسیست‌ها به قصد اتحاد کارگران جهان، لیبرالیست‌ها به قصد ورود به فرایند جهانی شدن، پسا مدرن‌ها به قصد زندگی در دهکده جهانی و اسلام گرایان با هدف وحدت جهان اسلام و ایجاد امت اسلامی منافع ملی ایران را فراموش کردند. اندیشه ایران شهری اعتقاد دارد بدون ایران و منافع ملی مترتب بر آن، امکان تأسیس سیاست خارجی کارآمد و عقلانی وجود ندارد. عشق به ایران، دوست داشتن کشور و تلاش برای آبادانی سرزمین از اصول بدیهی است که سیاست خارجی ایران شهری بر اساس آن بنا شده است. ملی‌گرایی مبنای سیاست خارجی عقلانی و گمشده سیاست خارجی ایران است.

استراتژی سیاست خارجی ایران شهری

ایران بزرگ فرهنگی

اکنون ما با همسایگان خود روابط مسالمت آمیزی نداریم و منطقه در شکاف‌های فرقه‌ای و درگیری‌های ایدئولوژیک سقوط کرده است به نحوی که فضای آنارشیک‌هازی بر روابط سایه افکنده است (Wendt, 1992). ایران با اغلب کشورهای همسایه مرزهای مشترک فرهنگی دارد و این اشتراکات امروز بیش از آنکه باعث تفاهم، نزدیکی و زیربنای ائتلاف‌های اقتصادی و امنیتی گردد تبدیل به سازه‌های غیریت بخش شده است. همسایگان تبلور سیاست خارجی ایران را انقلابی‌گری، شیعه‌گری و درگیری با قدرت‌های بین‌المللی می‌دانند و سعی می‌کنند در زمینه‌های محدود با احتیاط و محافظه‌کاری و در اغلب موضوعات نه تنها دوری که در سیاست تقابل و درگیری در پیش گیرند. برای همگرایی منطقه‌ای باید هرگونه سازه ایدئولوژیک، مذهبی، سیاسی، نظامی و حتی اقتصادی را کنار نهاد و زمینه‌های مشترک را بر اساس ایران بزرگ فرهنگی سامان دهی کرد. هرگونه رویکرد یک طرفه تهاجمی حتی اگر ابعاد انسان دوستانه یا اقتصادی داشته باشد در صورت نگرفتن بازخورد و مشارکت ندادن همسایگانی که همه در ایران بزرگ فرهنگی نقش دارند باعث سوتفاهم و موضع‌گیری خصمانه خواهد شد. ایران تنها به معنای کشور، دولت، ملت و مرزهای جغرافیایی کنونی نظام جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه ایران مفهومی اندیشه‌ای و فرهنگی است که در ورای مرزها و در اشتراک با همسایگان در فلات ایران توانایی نقش‌آفرینی کاربردی دارد. جهان زیست‌ایرانی برگرفته از شاخص‌های تمدن تداومی است که اغلب پدیدارهای آن در زمان کنونی می‌تواند سایه خشونت، جنگ و درگیری‌های فعلی در منطقه را به حداقل برساند. ایران مرکز اسلام میانه رو و گرایش‌های عارفانه و عمیق است. ایران پایه و اساس زبان فارسی، موسیقی و معماری و آیین و مراسم صلح‌گرایی است که قرن‌ها در فلات ایران حاکم بوده است (Foroughi, 2005).

مرزهای ایران فرهنگی کاملاً عینی است و اگر از تعصب، بی‌برنامگی، ضدیت با فرهنگ ایران بکاهیم اشتراکات زیادی با همسایگان پیدا خواهیم کرد. به لحاظ فرهنگی افغانستان، تاجیکستان، پاکستان، عراق، ترکیه، ازبکستان، ارمنستان، آذربایجان در آداب، رسوم، جشن‌ها، اساطیر، نام‌ها، زبان، قومیت‌ها، معماری، موسیقی با ایران اشتراک دارند. در سلسله‌های هخامنشی، اشکانیان، ساسانیان، سامانیان، صفاریان، آل بویه، غزنویان، سلجوقیان، صفویه و قاجار بخش عمده‌ای از جغرافیا، تاریخ و نظام حکومتی این کشورها در ایران بوده است. ایران مبنا و پایه این کشورها است بنابراین امروز همانند فرزندان از مادر اصلی خود جدا شده‌اند. رواج اسلام بنیادگرا در همسایگان ایران و رواج بی‌برنامگی و اقدامات متعصبانه در سیاست خارجه ایران بدبینی و زبان بی‌تفاهمی را شکل داده است. اکنون کردها سرگردان سه کشور شده‌اند، افغانستان دچار جنگ فرقه‌ای و قومیتی است و عراق به سه بخش قومی مذهبی تقسیم شده است. ترکیه سیاست‌های قومیتی را رواج می‌دهد و پاکستان به سمت بنیادگرای عربی در حال حرکت است. تاجیکستان و ازبکستان تحت تأثیر سیاست روسیه هستند و همه منطقه در هرج و مرج و فضای آنارشیک فرو رفته است. فرهنگ روادار ایرانی، جشن‌های شاد نوروز و مهرگان، موسیقی و هنر صلح‌گرا، اندیشه واقع‌گرا و تکنیکی ایرانی می‌تواند هراس و ناامنی را با ایجاد زبان مشترک از فلات ایران دور کند. ایران فرهنگی واقعیتی ذهنی است که با داشتن نمادها، نام‌ها و آیین‌ها بیش از حد واقعی‌ای و عینی است. باید از فرهنگ، ادب، زبان مردم، نزدیکی‌های شعر، هنر و موسیقی شروع کرد و اتفاقاً نیت‌های سیاسی و اغراض امنیتی و نظامی را به حاشیه کشاند. دیپلماسی عمومی - علمی و ارتباطات مردم و نخبگان این کشورها می‌تواند صلح و آبادانی را در فلات ایران حاکم سازد. هرگونه نیت تغییر مرز، کشور و نظام سیاسی باید کنار نهاده شود و ایران با زبان فردوسی، حافظ، سعدی، مولوی، ابوسعید ابوالخیر، عطار و خیام با همسایگان گفتگو کند. نخبگان، مردم، گروه‌های غیر دولتی و دانشگاه‌ها را در این فرایند باید وارد ساخت. استراتژی ایران فرهنگی تنها جایگزین همگرایی منطقه و زبان مشترک با همسایگان است.

گفتگوی تمدن‌ها

جایگاه ایران به گونه‌ای است که نمی‌تواند منزوی، بی‌طرف، منفعل و به دور از تحولات منطقه و بین الملل باشد (Sarial-Qalam, 2000, pp. 33-36). محل تلاقی فرهنگ غرب و شرق، اسلام و مسیحیت، زرتشت و اسلام، تشیع و تسنن، سنت، تجدد و پساتجدد در ایران است. اکنون نیز همه جهان زیست‌های نامبرده در ایران وجود دارند و هر یک دارای شاخص‌های تعیین‌کننده‌ای در زندگی ایرانیان هستند؛ بنابراین ایرانیان همیشه در طول تاریخ با فرهنگ و تمدن‌های مختلف در برخورد و گفتگو بوده‌اند. مثلاً یونانی‌ها زمان هخامنشیان، اسکندر زمان اشکانیان، رومی‌های زمان ساسانیان، اعراب زمان سامانیان،

ترک‌های زمان سلجوقیان، مغولان زمان تیموریان، غرب زمان صفویه، مدرنیته زمان قاجاریه، مارکسیست‌ها و فاشیست‌ها زمان پهلوی، پساتجدد زمان جمهوری اسلامی ایران همیشه در برخورد با ایران بوده‌اند اما ایرانیان با آنها گفتگو کرده‌اند و در تقابل و همزیستی فرهنگ ایرانی با دیگری از بیرون آمده اندیشه‌های تداومی شکل گرفته است. فلات ایران هرچند از سوی برخی مورد هجوم و غارت قرار گرفته است اما ایرانیان اهل گفتگو و تبدیل کردن شاخص‌های منفی و غیرکارکردی به زیباترین عناصر هنر و زیبایی هستند. بهترین استراتژی برای سیاست خارجی ایران پیگیری گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست.

ایران دو بار در تاریخ معاصر چنین استراتژی را پیگیری کرده است و در هر دو مورد توانسته است در سطح سازمان ملل چنین اقدامی را تصویب و جا بیندازد اما تداوم نداشته است و بازی‌های سیاسی این رویه را ناکارآمد ساخته است. بار اول در دهه پنجاه خورشیدی توسط سید حسین نصر موضوع گفتگوی فرهنگ‌ها به همراه شخصیت‌های معروفی چون ایزوتسو از ژاپن و داریوش شایگان از ایران، هانری کربن از فرانسه پیگیری گردید و حتی از سوی یونسکو مورد حمایت قرار گرفت و سخنرانی و همایش‌های بین‌المللی برگزار گردید (Izotsu, 2000, pp. 278-285). این رویه از سوی نظام سیاسی پهلوی جهت رویارویی با غرب و شکل‌گیری فلسفه شرقی سنت‌گرا بود تا بتواند جوابی به دموکراسی و حقوق بشر غربی و بحران‌های نظام فرهنگی ماتریالیستی باشد. بار دیگر گفتگوی تمدن‌ها در دهه هفتاد توسط سید محمد خاتمی در پاسخ برخورد تمدن‌های هانگتینگتون مطرح گردید. آمریکا به اسم حقوق بشر و دموکراسی سازی به همه جا حمله می‌کرد و کابینه اصلاحات برای اینکه صلح و امنیت حاکم گردد موضوع گفتگوی تمدن‌ها را در مجمع عمومی سازمان ملل تأسیس و از طریق نهادی آن را دنبال کردند (Tajik, 1998).

این استراتژی می‌تواند دوباره زنده گردد و امکان گفتگو نخبگان، مردم و سیاست‌مداران فراهم شود. ایران چهارراه است و به جای آنکه تلاقی خشونت و جنگ و پل ارتباطی برخورد تمدن‌ها باشد باید مکانی برای مراودات و گفتگوها گردد (Ramazani, 2001). سعدی می‌گوید همه کس عقل خود به کمال آید و فرزند خود به جمال (Sa'di, 2000) بنابراین نمی‌توان تنها از زاویه خاص خود نگریست و همه چیز را مطلق در معامله‌ای برد باخت تعیین کرد. باید تکثرگرا بود و به همه فرهنگ‌ها احترام گذاشت. در گفتگو فرهنگ ایرانی جذابیت فراوانی برای همسایگان و کشورهای شرقی و غربی دارد چرا که تمدنی بزرگ با تداوم اندیشه است و شاخص‌های آن در روزگار تاریخی بدون وقفه و گسست توانسته‌اند سنت انسانی و هنرمندانه‌ای خلق کنند. در گفتگو ایرانیان شکوفا خواهند شد و در مقام تربیت گران سیاسی جلوه

می‌کنند. مولوی، فردوسی، سعدی، خیام، ابن سینا، مسکویه، زکریای رازی، حافظ مبنای خرد تفاهم و گفتگویی دارند که کشورها، فرهنگ‌ها و تمدن‌های جدید به آن نیاز دارند. ما نیز به همه آنها نیاز داریم و بدون تواضع، آرامش، ادب که میراث ایرانیان بوده است به رضایت از زندگی سیاسی و دست یابی به منافع ملی نخواهیم رسید.

قدرت هوشمند ایرانی

اوضاع ایران اصلاً ساده نیست و متغیرهایی در سیاست خارجی ایران دخیل است که نیاز به استراتژی پیچیده دارد. هرگونه ساده نگریستن و عوامانه دیدن جهان سیاست منافع ملی کشور را از میان می‌برد و هزینه‌های چندگانه برای دولت فراهم می‌سازد. ایران در تاریخ مورد هجوم، غارت، جنگ، تجاوز، آتش سوزی و ویرانی مداوم قرار گرفته است. اقوام و مذاهب مختلف به همراه ویژگی چهارراه بودن ایران و همین طور فلات گسترده و قلمروی ایران فرهنگی نخبگانی را شکل داده است (Ramazani, 2008) که دارای هوش فراوان جهت نجات ایران بوده‌اند. این نخبگان در قدرت رسمی بوده‌اند همانند خواجه نظام، قائم مقام فراهانی، امیرکبیر، محمد علی فروغی، محمد قوام، هاشمی رفسنجانی و جواد ظریف و یا با قدرت اندیشه و فکر همانند ابن مقفع، سهروردی، فردوسی، حافظ و ... تداوم ایران را رقم زده‌اند؛ بنابراین ایران نخبگان نگهبانی دارد که با هزینه کردن جان، مال، زمان و هوش خویش توانسته‌اند ایران را از تندباد حوادث عبور دهند (Islami, 2015, p. 2).

در قرن بیست و یکم با توجه به شرایط بحرانی داخلی همانند: بحران آب، بیکاری، حاشیه نشینی و ضعف سیاست‌گذاری ناشی از شکاف شریعت و واقعیت و همین طور شکاف‌های قومیتی و فرقه‌ای در منطقه که از سوی نظام‌های سیاسی قبیله‌ای و زمین‌های بازی دولت‌های شکننده با تقویت دولت‌های فرمانطقه‌ای در حال تقویت است، باید استراتژی قدرت هوشمند را پیاده ساخت. در اندیشه ایرانشهری از عهد اردشیر تا محمد علی فروغی چنین تأکید شده است که شمشیر و قلم باید در کنار هم باشد به زبان امروز یعنی مکر و قدرت با یکدیگر ترکیب شوند تا منافع ملی حفظ شوند. باید ستون فقرات کشور دارای توان اقتصادی و نظامی باشد و هم بازنمایی فرهنگی و اندیشه‌ای صورت گیرد. به یک معنا ایران نیاز به قدرت نرم و سخت در کنار هم و به تعبیر جوزف نای قدرت هوشمند را نیاز دارد (قدرت هوشمند بنگرید به Carpenter, 2008).

بنابراین نیاز قدرت هوشمند نیاز به استراتژی هوشمند دارد و هرگونه ذهن بسته، دگم، تک بعدی، ساده اندیش و تک متغیره توانایی مدیریت سیاست خارجی ایران را ندارد. ایران دارای جهان زیست‌های ملی، شیعی، اسلامی، انقلابی است. جهان زیست ملی همانند نوروز، فرهنگ باستان، مرزها و تمامیت

ارضی، جغرافیا و تاریخ ایران با کشورهای همسایه مرزهای مشترک فراوان دارد. جهان زیست شیعی و اسلامی نیز که حضور فعالی در آیین، مراسم و همه زندگی روزمره ایرانی دارد با کشورهای شیعی و به خصوص اهل سنت منطقه هم پوشانی دارد. از سوی دیگر ایران اندیشه انتقادی و سوسیال را در سیاست بین الملل دنبال می‌کند که تا حدی به کشورهای منتقد وضع موجود مثل عدم تعهدها و انقلابی‌ها نزدیک شده است؛ بنابراین مسئله زبان فارسی، کشورهای آمریکای لاتین، مسئله فلسطین، برخورد انتقادی با اروپا، نزدیکی به شرق، همکاری با چین و روسیه، نگرش مثبت به ژاپن و آلمان، اشتراک با کشورهای عربی، لبنان و حزب اله، حماس و جنبش اسلامی فلسطین و ... محیطی چند متغیره و امکان و چالش‌هایی برای ایران رقم زده است. همه این شاخص‌ها موجود است و هر یک پتانسیل نهفته‌ای دارند که در سیاست خارجی بازیگری کنند. تنها با شناخت، اولویت بندی، درآوردن منطقه نفوذ و استفاده از قدرت هوشمند که ذهنیت هوشمند نیاز دارد می‌توان منافع ملی ایران را دنبال کرد.

تکنیک‌های سیاست خارجی ایران شهری

سفارت و دیپلماسی

در ایران باستان نهاد گزایی و تقسیم کار تخصصی برای اداره کردن سیاست خارجی وجود داشته است. به خصوص در دبیری، سفارت و مشاغلی که به مراودات سیاسی دلالت داشت آزمون‌های سخت برگزار می‌گردید. یکی از نقدهایی که گزفنون و افلاطون به مدل توده‌ای و عوامانه سیاست در یونان داشتند این بود که چرا نخبه گرا نیست و تربیت سیاسی در آن جایگاهی ندارد؛ بنابراین در الگوی سیاست خارجی ایران شهری در مقام تکنیک ایرانیان به تخصص، نهاد گزایی، شایسته سالاری، تقسیم کار حرفه‌ای و آزمون و ارزیابی اعتقاد داشتند. این اصول در مجرای دیپلماتیک یکی از منسجم‌ترین پروکرسی‌های سیاست خارجی و سفارت را شکل داده بود که بعدها به صورت کامل در تمدن اسلامی تقلید گردید. وقتی اعراب به ایران آمدند الگوی ساختاری برای مملکت داری در قلمروی یکجانشین با جغرافیای گسترده نداشتند و از مدل ایرانیان در حکومت مندی استفاده کردند (Arkoun, 2015, p. 142)؛ اما این به ظاهر تقلید بود یعنی صورتی نمادین از ساختمان‌ها و دیوان‌ها را ایرانیان برای آنها شکل دادند که البته در سلسله پادشاهی چون سامانیان بیشتر و در سلسله‌ای چون اتابکان و خوارزمشاهیان کمتر نمود داشت. سیاست خارجی ایران شهری علاوه بر تشریفات، ساختمان، پروکرسی و دیوان‌ها دارای روح و محتوایی بود که کمتر مشاهده می‌گردید.

این روح و محتوا توسط اندیشمندانی چون حافظ و سعدی منتقل گردید یعنی در مراودات سیاسی اصل بر صلح و دیپلماسی است. سعدی می‌گوید به مردی که مملک سراسر زمین، نیرزد که خونی بریزد

زمین (Sa'di, 1998) و حافظ نیز اعتقاد دارد اصل اساسی اخلاق ایرانی مردم آزاری نکردن است. مباح در پی آزار و هر چه خواهی کن که در طریقت ما غیر از این گناهی نیست (Hafez, 2000). خرد مزدایی و دین ایرانیان همیشه بر صلح، دوستی و آزار نرساندن بوده است؛ بنابراین در سیاست خارجی نیز الگوی تکنیکی ایرانیان آزار نرساندن و تقدم دیپلماسی صلح بر هر موضوعی است. در مکتب واقع‌گرایی و حتی آرمان‌گرایی که از حقوق بشر می‌گویند جنگ پیش‌دستانه تعریف شده است چرا که برای رسیدن به منافع و سود یعنی افزایش لذت و کاهش دردها باید جنگ را اولیوت بخشید. در ایران تکنیک صلح، رواداری، دیپلماسی و شادی است و این مورد از منشور کوروش تا سروده‌های زرتشت و اشعار حافظ و فردوسی قابل پیگیری است. در عمل نیز اغلب دولت‌های ایران در تاریخ آنگاه که روزگار متمدنی را سپری کردند از این تکنیک استفاده کردند. ایرانیان کمتر جنگی را آغاز کرده‌اند و اغلب مورد هجوم قرار گرفته‌اند در جنگ‌ها نیز برای دفاع از خود، از بین بردن ظلم و آبادانی وارد شدند و همیشه تقدم بر مردم آزادی نکردن و دیپلماسی صلح بوده است. به گفته سیروش شمیسا در کتاب شاه‌نامه‌ها بی‌آزاری اساس علم اخلاق ایران باستان است (Shamsa, 2017, pp. 284). در الگوی ایرانی از هر اقدامی جهت صلح، روابط مسالمت‌آمیز، همزیستی‌های انسانی باید استقبال کرد آن‌طور که در نگرش تکثرگرای کوروش در ابتدای تأسیس دولت ایران تأسیس و به ارث نهاده شده است. تکنیک‌های سیاست خارجی ایرانی‌شهری گاهی برای مردم عادی قابل فهم نیست مثلاً بی‌طرفی در جنگ جهانی اول و دوم از سوی جنبش‌ها، گروه‌ها و سیاست‌مداران آرمان‌گرا مورد نقد قرار گرفت اما اگر چنین سیاست خردمندانه‌ای وزارت امور خارجه اتخاذ نمی‌کرد ایران تجزیه می‌گردید. خرد دیپلماتیک و تکنیک‌های سفارت محافظه‌کارانه در راستای آبادانی و صلح است که عقلانیتی نخبه‌گرا و محتاط نیاز دارد. هرگونه تندروی، بی‌ادبی، جنگ‌طلبی، نقادی‌های ساختارشکنانه و جنگ‌طلبی در سیاست خارجی ایرانی‌شهری محکوم به شکست است.

جنگ و امنیت

علاوه بر خردورزی صلح‌گرا و نیاز به هوش محافظه‌کار نخبه‌گرا، الگوی سیاست خارجی ایران در تکنیک تنها بر دوستی و همزیستی تأکید نمی‌کند. نیروی نظامی، ارتش، گارد دفاعی و همه لوازم جنگی باید به گونه‌ای آماده باشد که در مواقع حساس و بحرانی توانایی دفاع از منافع ملی کشور وجود داشته باشد. از نامه تنسر و عهد اردشیر تا نصیحه الملوک خواجه نظام و غزالی آمده است که همواره نیاز است میان تنبیه و تشویق یا مکر و زور یا به تعبیر ماکیاوول روباه و شیر صفتی تعادلی برقرار باشد. نیروی نظامی

ستون فقرات، اعصاب، مبنای منبع و ضمانت اجرای سیاست خارجی است و اگر وابسته، ضعیف و ناتوان باشد سیاست خارجی شکست خواهد خورد.

یکی از حلقه‌های چرخه عدالت در اندیشه ایران شهری توان نظامی و قدرت ارتش است که بدون آن امنیت و ضمانت اجرایی برای احکام حکومتی باقی نخواهد ماند (Khwaja Nizam, 2008). در دورانی که ایران توان دفاع از خود و پیشبرد اهداف در رابطه با سایر بازیگران را داشته است همانند دوران هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، صفویه و افشاریه دارای نیروی نظامی و ارتش شکوهمندی بوده است. توان نظامی، تدافعی و در برخی مواقع تهاجمی از شاخص‌های مهم حکومت مندی ایران شهری است. ارتش ایران در طول تاریخ با روحیه وطن دوستی امنیت را بر کشور حاکم کرده است. جز تکنیک‌های سیاست خارجی ایران شهری است که باید توان نظامی را افزایش داد و شیوه‌های نوین جنگیدن را آموخت تا در همه شرایط امکان هجوم و اشغال ایران به حداقل برسد. ایران در جغرافیایی است که الزامات بین‌المللی بودن آن را ناگزیر از دیپلماسی در زمان صلح و در شرایط بحرانی جنگ، ساخته است. دیپلماسی مقتدر و توان همزیستی مسالمت آمیز حکم روباه و بازنمایی تشریفاتی را دارد که اگر به زیربنای نظامی و توان جنگ آوری مجهز گردد می‌تواند دولت کشور را در هر شرایطی حفظ کند و پشتوانه منافع ملی گردد (Handler, 2013, pp. 40-43).

از هخامنشیان تا دوره معاصر نظامیان یکی از طبقات حکومتی بوده‌اند اما یکی از شاخص‌های مهم اندیشه ایران شهری این است که نظامیان در جای خود باشند. نظامیان باید در کار دفاع، جنگ و برقراری امنیت باشند و نباید در موضوعات سیاسی دخالت کنند (Arkoun, 2015, pp. 145). در جای خود بودن به این معنا است که نظامیان در حکم دست و پا هستند یعنی ابزارهای برقراری امنیت در کشور محسوب می‌شوند و نباید جای سر، مغز و اعصاب را در بدن اشغال کنند. هر گاه در سلسله‌های ایرانی نظامیان به مراکز مهم تصمیم‌گیری آمدند و جایگاه‌های سیاسی را اشغال کرده‌اند از کارویژه خود خارج، کشور را ناامن و تصمیمات سیاسی را از حالت تعادل خارج کرده‌اند (Tabataba'I, 2015). برای داشتن سیاست خارجی پویا و کارآمد باید نظامیان از اظهار نظر و تصمیمات مربوط به سیاست خارجی کنار بروند و تنها مجری نهادهای طراح در موضوع تأمین امنیت باشند. استقلال نهادی نظامیان، خودکفایی امنیتی و توجه همه جانبه به همه امکانات ارتش ضروری است اما آنها تنها باید گوش به سیاست و تابع حکومت باشند. اگر نظامیان که منطبق دفاع، جنگ، امنیت و رویکردهای پادگانی جز فرهنگ سازمانی آنها است وارد عرصه سیاست خارجی شوند متن منعطف، واقع‌گرا، دیپلماتیک و مذاکرات بین‌الملل را درک نمی‌کنند و

برای کشور مدام بحران و هزینه تراشی می‌کنند؛ بنابراین بدون قدرت نظامی سیاست خارجی ناقص است اما آنان نباید در جایگاه طراح یا ارزیاب حکومت قرار گیرند که اگر چنین شود کشور به بی‌ثباتی و ناامنی دچار خواهد شد.

تشریفات و ادب

ایران کشوری یکجانشین بوده است و به علت محصور بودن در میان کوه‌ها، دریا و دریاچه حتی کوچ‌روهای تولیدگر داشته است. چنین جغرافیایی که صنعت گر، دامدار، تاجر و کشاورز، دانشمند و هنرمند در خود جای داده است هیچ‌گاه دارای جهان زیست غارتگری، جنگ، خشونت و وحشی‌گری نبوده است. ایرانیان تولیدگر که بر اساس خلاقیت و تلاش قلعه، قنات، شهر و هنرهای فراوان از خود به یادگار گذاشته‌اند و چندین بار پس از هجوم‌های ویرانگر چون قفقوسی سربرآورده‌اند، برای همه رفتارها و کنش‌های خویش ادب دارند. ادب به معنای خصلت‌های نیک و هنجارهای اجتماعی است که ایرانیان از آن برخوردار هستند. به همین علت یکی از دانش‌های معروف بومی ایران ادبیات است که با ریشه‌های باستانی در قالب شعر و نثر تداوم داشته است. یکی از شاخه‌های ادبیات سیاست است و یکی از گرایش‌های آن به سیاست خارجی را در برمی‌گیرد. هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان دربارهای باشکوه و کارگزاران حرفه‌ای داشتند و به خصوص در موضوع سفارت و دیپلماسی تکنیکی‌ترین اقدامات را انجام می‌دادند. بعدها ابن مقفع در کتابی با عنوان تاج تشریفات سیاسی ایران را تحلیل کرد و این ادب حکمرانی را به جهان اسلام منتقل نمود (Jahiz, 1929).

بنابراین از تخت و تاج، بارگاه، لباس پوشیدن، دیدارها و ادب نوشتن و همه فنون دیپلماتیک در اندیشه ایرانی متونی وجود دارد و در عمل اجرا می‌گردیده است. برخی از جریان‌های چپ‌گرا و یا پسامدرن و برخی بنیادگرایان با ساده‌اندیشی به اسم تجمل و مبارزه با اشرافی‌گری دشمن ادب و تشریفات هستند. یکی از سیاست‌های عملی و تکنیک‌های جزئی اندیشه و کنش ایرانی تشریفات است. در دنیای سیاست هر چه هزینه تشریفات و احترام به طرف مقابل بر اساس ادب گردد در نهایت سود کلان برای ملت و کشور به همراه دارد. ذهنیت ساده چون تک بعدی است تنها سود کوتاه مدت را می‌نگرد و گاهی در دنیای دیپلماتیک به علت بدسیقگی تشریفات و ادب رعایت نمی‌گردد که این مورد در بلند مدت منافع ملی کشور را به هم خواهد ریخت. در ادب ایرانی و اسلامی بر اخلاق، خوش پوشی و بهترین بودن تأکید شده است و به خصوص در حکمرانی این رویه اهمیت بیشتری دارد چرا که با منفعت عمومی یا حق الناس گره خورده است؛ بنابراین در اندیشه ایرانی یکی از اصول مهم رعایت همه آداب دیپلماتیک و فنون تشریفات است که رعایت کردن آن موجب حفظ و تداوم منافع ملی است و بدون ادب تشریفات

دولت کشور بازیگری غیرحرفه‌ای و عقب مانده پدیدار خواهد شد. سایه تمدنی ایران سنگین است و اغلب سفیرانی که با ایران مراوده داشته‌اند باور دارند که ایران همانند کشورهای متمدن و باسابقه، تاریخی باشکوه و اندیشه‌ای انباشته شده دارد و نمی‌توان همانند بازیگران تازه متولد شده با آن برخورد کرد.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین مسئله بازگشت ایران به صورت‌های دانایی است که سیاست‌گذاری انجام می‌دهند. برای سیاست خارجی نیاز به متن ایران است و هرگونه الگویی که در آن قصد نادیده گرفتن متن ایران گردد، نتیجه‌ای جز ناکارآمدی ندارد. ایران دارای منابع اندیشه‌ای است که امکان بازیگری خلاق در روابط بین دولت‌ها را فراهم می‌سازد. اندیشه و فرهنگ هر کشور با آنکه دیده نمی‌شود اما در تفسیر، جهت‌دهی و سیاست‌گذاری سیاست خارجی نقش ایفا می‌کند. توان نظامی، جغرافیا و توان اقتصادی نقش عمده‌ای در جهت‌دهی سیاست خارجی دارد اما اندیشه‌ها نیز متغیر مهمی به حساب می‌آیند. ایران دارای منابع اندیشه اسلامی، ملی و غربی است. در مورد منبع ملی سیاست خارجی ایران کمتر کار پژوهشی صورت گرفته است؛ در حالی که این منبع به لحاظ هم‌نشینی و تاثیرگذاری نزدیک‌ترین و دم دست‌ترین سازه جمعی شکل دهنده به سیاست خارجی ایران بوده است. در این نوشتار سعی گردید مبانی واقع‌گرا و نخبه‌گرا اندیشه ایران شهری مورد تحلیل قرار گیرد.

اندیشه سیاسی ایران شهری تنها در سطح مبنایی و کلی مطرح نیست بلکه در تاریخ معاصر ایران استراتژی‌های عملیاتی و کارآمدی را پیاده ساخته است. به‌عنوان مثال موضوع گفتگوی فرهنگ‌ها در زمان پهلوی و گفتگوی تمدن‌ها در زمان جمهوری اسلامی استراتژی‌های ایرانی بود که مورد استقبال جامعه بین الملل قرار گرفت. همین‌طور در سطح منطقه استراتژی ایران بزرگ فرهنگی قابلیت فراوانی برای دفاع از منافع ملی ایران دارد. ایران بزرگ فرهنگی به معنای مجموعه‌ای از کشورهای هم‌زبان و در سطح اندیشه هم‌راستا است که زمانی در فلات ایران دارای وحدت سیاسی بوده‌اند و اکنون از یکدیگر جدا و هر یک به صورت دولت ملت‌های مجزا درآمده‌اند. منشأ و مبنای همه این کشورها ایران است و مرکز آن ایران کنونی ما است که بدون ادعاهای ارضی و اقدامات ماجراجویانه می‌تواند وارد تنش زدایی و گسترش روابط با آنها گردد. استراتژی‌های نرمی که در صورت عملیاتی شدن توان خلق قدرت هوشمند برای ایران را داراست و می‌تواند در قالب آیین، مراسم، غذا، موسیقی، زبان، شعر، ادبیات و ... ایران را پیشگام صلح، امنیت و رفاه در منطقه نماید. اکنون هویت ایران شهری تنها هویت سالم و باشکوهی است که مورد توافق اغلب بازیگران بین‌الملل است. این هویت یادآور شکوه پارس است و اغلب کشورهای همسایه روزگاری

زیر سایه امنیت و آبادانی ایران زیسته و خاطرات زیادی از آن در حافظه‌شان تاریخی‌شان وجود دارد. حتی بسیاری از سیاستمداران جهان هنوز ایران را به نام شاهنشاهی پارس می‌شناسند.

مورد سوم اینکه علاوه بر مبانی و استراتژی‌ها نیاز به تکنیک‌هایی است که بتوان در واقعیت گزاره‌های ایران‌شهری را پیاده ساخت. در صورت وجود اراده و تمایل نظام سیاسی با آموزه‌های کارآمد و تکنیک‌های جنگ، تشریفات و اصول مذاکره و دیپلماسی می‌توان منافع ملی کشور را حفظ کرد. هرگونه کاهلی و سستی در نادیده گرفتن هویت ملی باعث خالی شدن کشور از ذخائر فرهنگی و فراموشی آنها در داخل خواهد شد. اگر اندیشه ایران‌شهری نباشد نخبگان سیاست خارجی ایران مفهوم کشور، ملیت، دولت و ایران را نمی‌دانند و در صحنه بین‌الملل و پیشنهادهای جذاب و متغیر سایر بازیگران نمی‌دانند خط قرمز چیست. اگر عناصر ایرانی سیاست خارجی به کناری گذاشته شود ایران در منطقه شبیه بازیگران عربی و اسلامی تندرو خواهد بود. هر جنایت و اقدامی از سوی گروه‌ها و شبه نظامیان تروریست به اسم ایران رقم می‌خورد و فرقی میان ایران و سایر کشورهای منطقه نخواهد بود. ایران کنونی برای رهایی از مشکلات داخلی و خارجی و داشتن سیاست خارجی آرام و کارآمد نیاز به مبانی، استراتژی و تکنیک‌های اندیشه سیاسی ایران‌شهری دارد. بدون چنین رویه‌ای ایران با سیستم منطقه و بین‌الملل برخورد خواهد کرد و هزینه‌های فراوانی بدون دستاورد برای ملت و کشور رقم می‌خورد. سیاست خارجی ایران‌شهری توانایی کاهش اصطکاک ایران با محیط بین‌الملل و منطقه را دارد که خاص کشور است، همه شهروندان را خودی تلقی می‌کند، دارای اشتراکات صلح‌گرایانه با همسایگان است و در دنیا هویت قابل افتخاری است.

جدول (۴): مبانی، استراتژی و تکنیک‌های سیاست خارجی ایران‌شهری

مبانی	واقع‌گرایی	نخبه‌گرایی	ملی‌گرایی
استراتژی	ایران بزرگ فرهنگی	گفتگوی تمدن‌ها	قدرت هوشمند ایرانی
تکنیک	تشریفات و ادب	سفارت و دیپلماسی	جنگ و امنیت

ایران نیاز به زنده شدن و حفظ میراث ملی در صحنه منطقه و بین‌الملل دارد. بازیگران منطقه‌ای سعی در کاهش قدرت ایران در منطقه دارند و به گونه‌ای عمل می‌کنند که تنها مانع رسیدن به اهدافشان ایران است. از سوی دیگر سیاست خارجی ایران از گزاره‌ها و عناصر ایرانی کمتر استفاده کرده است و همین امر توان و فرصت بالایی از دستگاه وزارت امور خارجه جهت بازنمایی چهره‌ای عقلانی سلب شده است. می‌توان ایران را با آنکه به صورت ناخودآگاه برایمان بدیهی است تفسیر کنیم تا بتوانیم در سیاست

خارجی مستقل و کارآمد باشیم. عناصر ایرانی سیاست خارجی می‌تواند چهره‌ای عقلانی، حافظ صلح و طرفدار امنیت و دارای قدرت هوشمند از ایران ترسیم کنند. هرگونه غفلت و بی‌توجهی به عناصر ملی و ایرانی از سوی آیندگان بخشیده نخواهد شد و این پرسش قرن‌ها باقی خواهد ماند چرا جهان زیست ایرانی و شاخص‌های سیاست خارجی ایران شهری مورد توجه قرار نگرفت و از چرخه سیاست‌گذاری نخبگان کنار نهاده شد؛ در حالی که وجود آن بدیهی می‌نمود. با عملیاتی کردن سیاست خارجی مبتنی بر اندیشه ایرانی می‌توان با همسایگان از در صلح وارد شد، مرزهای دولت کشورها (وستفالی) را به رسمیت شناخت، به تمامیت ارضی کشور اهمیت داد، منافع ملی را اولویت قرار داد، در رابطه با دنیا بر اساس خرد ایرانی رفتار کرد و در عین حال عزت و استقلال کشور را نیز حفظ نمود.

References

- Abbasi, E. (1949). *Ahde ardeshir*. (Imam Shooshtari, Trans). Tehran: The National Monuments Society. (in Persian)
- Ahmadvand, Sh., & Islami, R. (2017). *Political thought in ancient Iran*. Tehran: Samt Publication. (in Persian)
- Amozgar, J. (2007). *The language of myth culture*. Tehran: Moin. (in Persian)
- Arkoun, M. (2015). *Humanism in islamic thought*. (Ehsan Moosavi Khalkhali, Trans). Tehran: Review Plan. (in Persian)
- Axworthy, Michael. (2008). *A history of iran, empire of the mind*. New York: Basic Books.
- Azghandi, A. (1997). *Iranian foreign relations, 1350-1320*. Tehran: Qomees. (in Persian)
- Carbon, H. (2003). *The relationship between philosophy of illumination and islamic philosophy*. (Ahmad Fardid, Trans). Institute for the Study of Philosophy and Philosophy of Iran. (in Persian)
- Carbon, H. (2004). *The land of malchut from iran mazdayi to shia*. (by Ziaoddin Dehshiri, Trans). Tehran: Tahiri (in Persian)
- Carbon, H. (2005). *The bounty of zoroastrianism in suhrawardi's thought*. (Mahmoud Befroozi, Trans). Tehran: Jami Publications. (in Persian)
- Carpenter, Ted Galen. (2008). *Smart power: toward a prudent foreign policy for america*. Washington, D.C.: Cato Institute.
- Crane Brooke, Philip Chi. (2009). *Ethics and Society in Zoroastrian Philosophy*. A Study on Zoroastrian Philosophy, Mary Boyes Collection, Sa'id Zare Translation. Qom: University of Religions. (in Persian)
- Dostkhah, J. (1998). *The doctrine of dualism, a major problem in the history of thought in Iran*, Iran Letter of 17. (in Persian)

- EbneFara. (1984). Rasul al-Muluk, (Modified by Dr. Salahuddin al-Mundiz). (Parviz Atabaki, Trans). Tehran: Organization of Publications and Training of the Islamic Revolution. (in Persian)
- Elahi, H. (2007). *Immorality iranshahri in foreign relations*. Tehran: Magazine History Foreign Relation. (in Persian)
- Enayat, Hamid (1998). *Political thought and institutions in islam and iran*. Tehran: Rozaneh. (in Persian)
- Foroughi, M. A. (2005). Foroughi's Articles, Volume 1. Tehran: Toos Publishing. (in Persian)
- Fuller, G. (2011). *Qibla Alam*. (Abbas Mokbar, Trans). Tehran: Markaz. (in Persian)
- Hafez, Khajeh Shamseddin. (2000). *Divan of hafez*, (Correction of Mohammad Qazvini & Ghasem Ghani). Tehran: Honarvar. (in Persian)
- Handler, S. (2013). *International politics*. London: sage publication.
- Hegel, Georg Wilhelm Fredric. (2001). *the philosophy of history* with preface by Charles hegel, and the translator, j. sibree, m.a.batoche book, Kitchener
- Hegel, W. F. (1957). *Wisdom in history, translation by hamid enayat*. Tehran: Scientific publication of Aryamehr University of Technology. (in Persian)
- Islami, R. (2015). 2, *Iranshahri governmentality*. Mashhad: Ferdowsi University Press Mashhad. (in Persian)
- Islami, R. (2015). 3, *Politics as a Technique*. Tehran: Khorsandi Publishing. (in Persian)
- Islami, R. (2015). 1, *Patterns iranian foreign policy between two revolutions*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing Center Documentation and Diplomacy History. (in Persian)
- Izotsu, T. (2000). *Western thought and dialogue of civilizations*. (Bagher Parham, Trans). Tehran: Farzan Rooz Publication and Research. (in Persian)
- Jahiz, A. S. O. (1929). *Taj*. (Habibollah Nobakht, Trans). Tehran: Education Commission. (in Persian)
- Khaleghi, J. (2015). *Ferdowsi's Shahnameh*. Volume I, Introduction Jalal Khaleghi Motlagh. Tehran: The Encyclopedia of the Great Islamic World. (in Persian)
- Tusi, Khwaja Nizam al-Mulk. (2008). *Sierra Al-Muluk or Siyasatnameh*, proofreading by Hubert Darak. Tehran: Scientific Cultural Company. (in Persian)
- Kissinger, H. (2017). *World Order*. (Mohammad Taghi Hosseini, Trans). Tehran: Scientific and Cultural Publishing. (in Persian)
- Mahdavi, H. (2001). *Iranian foreign policy. pahlavi period*. Tehran: Pikan Publishing. (in Persian)
- Mahmoudizadeh Dehbazizi & M. R. (2017). *Shahriyary in Ghazan Zarathustra*. Qom: University of Mofid Publications. (in Persian)
- Mohammadpour, A. (2017). *Contemporary research method in the humanities, topics in policies method*. Tehran: Ghoghnos. (in Persian)

- Mo'in, M. (1947). *Mazdisna and Persian Literature* 2 vols, Tehran: Tehran University Press (in Persian)
- Mojtabayi, F. (1973). *The beautiful city of plato and the aryan kingdom in ancient iran*. the Society of Iranian Ancient Culture Society. (in Persian)
- Moradi Ghasabadi, R. (2008). *Achaemenid inscriptions, ancient persian cuneiform*. Tehran: Navid. (in Persian)
- Qurashi, A. (2010). *Iran letter*. Tehran: Hermes. (in Persian)
- Rajai, F. (2006). *Developments of political thought in the ancient east*. Tehran: Qomes. (in Persian)
- Ramazani, R. K. (2001). Reflection of Iran's foreign policy: Defining the national interest. *Iran at the crossroads* (edited by John L Esposito and R.k Ramazani). New York: Palgrave.
- Ramazani, R. K. (2008). Iran's Foreign Policy: Independence, Freedom and the Islamic Republic. *Iran's Foreign Policy From Khatami To Ahmadinejad* (Edited by Anoushiravan Ehteshami and Mahjoob Zweiri), Published by Ithaca Press, pp 1-17
- Ramazani, R. K. (1966). *The foreign policy of iran, a developing nation in world affairs, 1500-1941*. USA: University Press of Virginia.
- Ramazani, R. K. (1975). *Iran's foreign policy, 1941-1973, a study of foreign policy in the modernizing nation*. USA: University Press of Virginia.
- Razi, H. (2002). *Encyclopedia of ancient iran: the avestan age to the end of the sassanid period*. Tehran: Sokhan. (in Persian)
- Rezaei Rad, M. (1999). *Mazda Mazda*. Tehran: Tarheno. (in Persian)
- Rostam Wendi, T. (2009). *Iranian thought in islamic era*. Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Sa'di, M. (1998). *Bostan*, (Mohammad Ali Foroughi's Correction). Tehran: Rajabi. (in Persian)
- Sa'di, M. (2000). *Golestan*, (Mohammad Ali Foroughi Correction). Mashhad: Behnashr. (in Persian)
- Sarial-Qalam, M. (2000). *Foreign policy of the islamic republic of Iran*. Tehran: Strategic Research Center. (in Persian)
- Sahrai, a. (2006). the pattern foreign policy Sasanian, supervisor, Rohollah Eslami, Ferdowsi university of Mashhad (in Persian)
- Shamsa, S. (2017). *Shah letters*. Tehran: Hermes Publications. (in Persian)
- Tabatabaei, Seyyed Javad. (2005). *Khwaja nizam al-mulk*. Tabriz: Sotoudeh. (in Persian)
- Tabataba'i, J. (2015). *Political thought in iran, some considerations. theoretical foundations* (2nd Ed.). Tehran: Minokherad. (in Persian)
- Tajik, M. R. (1998). Special Issue for the Dialogue of Civilizations, Quarterly Journal Discourse, No. 3. (in Persian)
- Minavi, M. (1975). *Tensar's Letter to Ghessnb*. Tehran: Kharazmi. (in Persian)

- Wendt, A. (1992). anarchy is what state make of it, the social construction of power politics, international organization, 46, 2, spring
- Wittgenstein, L. (1992). *Logical and philosophic treatise*. (Myershams Adib Soltani, Trans). Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Ziaie Bigdeli, M. R. (2016). *Islam and international law*. Tehran: Ganj Danesh. (in Persian)

